

*Research Article*

## Comparative Study of Swan's Image in Arabic and Persian Poetry

Parviz Ahmadzadeh Houch

### Abstract

The principles and elements of romanticism have greatly influenced contemporary Arabic and Persian poetry, and new themes have entered the poetry through this school. Swans and images made using this bird are considered one of these themes. Swan and its poetic images are not used in Arabic classical poetry, and the history of its application dates back to the contemporary era. In the contemporary era, through the introduction of European literature through translation, which translates into the transmission of literary and cultural phenomena, new themes have been introduced into the Arabic literature by using the artistic features of this bird. This article reviews the contemporary Arabic poetry, which uses Swan and its related attributes to create images and themes and adapt them to the Western pattern. Swans have different symbolic meanings in different cultures. In contemporary Arabic poetry, poets such as Adonis, Mahmoud Darvish and ... have used the image of swan, such as the death of swan, dance of swan and singing of swans, using western patterns and poetic look at the Swan Bird. Since the study of the origin and source of new Arabic poetry images and themes will help clarify the rules and patterns of the development of the new Arabic poetry, this study looks at the comparative view of the extent and type of Arabic poets' influence on Western literary patterns.

**Keywords:** Comparative literature, Western poetry, Swank death, Swans voice

---

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran

**Correspondence Author:** Parviz Ahmadzadeh Houch

**Email:** ahmadzadeh1975@yahoo.com

**DOI:** [10.30495/CLQ.2023.1924922.2137](https://doi.org/10.30495/CLQ.2023.1924922.2137)

**Receive Date:** 01.03.2021

**Accept Date:** 05.07.2021

## مقایسه و تطبیق تصویر قو در شعر معاصر عربی و فارسی

پرویز احمدزاده هوچ

### چکیده

اصول و مولفه‌های رمانتیسیم بر شعر معاصر عربی و فارسی تأثیر چشمگیری گذاشته و مضامین جدیدی از طریق این مکتب وارد شعر گشته است. قو و تصاویری که با استفاده از این پرنده ساخته شده، یکی از این مضامین محسوب می‌شود. قو و تصاویر شاعرانه آن در شعر کلاسیک فارسی و عربی به کار نرفته است و سابقه کاربرد آن به دوران معاصر برمی‌گردد. در دوره معاصر به سبب آشنایی با ادبیات اروپایی از طریق ترجمه که واسطه انتقال پدیده‌های ادبی و فرهنگی است، مضامین جدیدی با استفاده هنری از ویژگی‌های این پرنده، وارد ادبیات فارسی و عربی شده است. این مقاله به بررسی تطبیقی اشعار معاصر عربی و فارسی اختصاص دارد که در آنها از قو و ویژگی‌های مربوط به آن برای خلق تصاویر و مضامین استفاده شده است نیز منشا و سرچشمه تصویر قو نیز در این مقاله واکاوی شده است. قو در فرهنگ‌های مختلف جلوه و معانی نمادین خاصی دارد. در شعر معاصر عربی شاعرانی از قبیل ادونیس، محمود درویش، عبدالقادر رابحی، بدیع صقور و ... با استفاده از الگوهای غربی و نگاه شاعرانه به پرنده قو در خلال دیوانشان تصویر قو از قبیل مرگ قو، رقص قو و آواز قو را به کار برده‌اند.

**واژگان کلیدی:** ادبیات تطبیقی، الگوی غربی، مرگ قو، آواز قو

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

ایمیل: ahmadzadeh1975@yahoo.com

نویسنده مسئول: پرویز احمدزاده هوچ

DOI: 10.30495/CLQ.2023.1924922.2137

## ۱. مقدمه

رمانتیسم مکتبی غربی است که بعد از دوره رنسانس و روشنگری، مجال ظهور و بروز یافت. اساس این مکتب بر ذوق و احساس و تخیل بنا شده است، در واقع این مکتب طغیان و عصیان علیه خردگرایی کلاسیسم محسوب می‌شود. مکتب رمانتیسم گذر انسان از عصر کلاسیک به عصر مدرن را نشان می‌دهد و نخست در قرن هجدهم در انگلستان و آلمان و در قرن نوزدهم در فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و کشورهای دیگر ظاهر شد. در تاریخ ادبیات غرب، هیچ کدام از مکاتب ادبی و هنری به اندازه مکتب رمانتیسم گسترده و همه‌جانبه نبوده و بر هنر و ادبیات دیگر کشورها تأثیر نگذاشته است. اصول و مولفه‌های رمانتیسم بر شعر معاصر فارسی و عربی تأثیر چشمگیری گذاشته و مضامین جدیدی از طریق این مکتب وارد شعر فارسی و عربی گشته است. قو و تصاویری که با استفاده از این پرنده ساخته شده، یکی از این مضامین محسوب می‌شود.

قو و تصاویر شاعرانه آن از موضوعات و موتیف‌های مشترکی است که در شعر کلاسیک فارسی و عربی به کار نرفته و سابقه کاربرد آن به دوران معاصر برمی‌گردد. قو در سنت ادبیات فارسی جایگاهی ندارد و شاعران کلاسیک از این تصویر بهره نبرده‌اند، حتی در فرهنگ لغت‌های کلاسیک نامی از این پرنده دیده نمی‌شود. در ادبیات کلاسیک عربی نیز مضمون و تصویری با استفاده از این پرنده ساخته نشده است. در قاموس‌های کهن عربی از جمله تاج العروس، لسان العرب و قاموس المحيط از این پرنده اسمی به میان نیامده که این موضوع خود گواهی بر عدم کاربرد قو و تصاویر مربوط به آن در ادبیات کلاسیک عربی است. در لغت‌نامه «معجم الوسیط» در ذیل لغت قو نیز که در دوره معاصر تدوین شده است، مولف به بیان ویژگی‌های ظاهری این پرنده اکتفا کرده است: طائر مائی شاطئی من الفصیله البجعیه و رتبه شاملات الکفّ، طویل الساقین و العنق و المنقار، صبور علی الطیران. وهو انواع، اشهرها الابيض.

در دوره معاصر به سبب آشنایی با ادبیات اروپایی از طریق ترجمه، مضامین جدیدی با استفاده هنری از ویژگی‌های این پرنده، وارد ادبیات فارسی و عربی شده است. شعر رمانتیک ایرانی که از شعر رمانتیک اروپایی تأثیر پذیرفته است، با نیما شروع شد و افسانه نیما مانیفست شعرای رمانتیک این دوره محسوب می‌شود. (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰ش: ۵۰) در ادبیات معاصر فارسی نیماپوشیچ در سال ۱۳۰۵ در فضایی کاملاً رمانتیک شعر «قو» (نیماپوشیچ، ۱۳۷۳ ش: ۱۱۴-۱۱۶) و حمیدی شیرازی در ۲۷ فروردین ۱۳۳۳ شعر مشهور «مرگ قو» را می‌سرایند. (حمیدی، ۱۳۶۳ ش: ۹۷)

شعر معاصر عربی نیز در دوران جدید و تحت تأثیر ادبیات غربی شکل متفاوتی از گذشته به خود گرفت. معمولاً حمله ناپلئون به مصر را به عنوان نقطه آغاز آشنایی اعراب با فرهنگ اروپایی در نظر می‌گیرند. (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰ش: ۴۱) عده‌ای معتقدند که شعر رمانتیک عربی با تأثیرپذیری از ادبیات مغرب زمین با جبران خلیل جبران شروع شد و او را پیشوای شعر رمانتیک عربی قلمداد کرده‌اند. (الایوبی، ۱۹۸۴ م: ۱۶) اگر چه گروهی هم بر این باورند که شعر رمانتیک معاصر عربی با خلیل مطران شروع شده است. (ودیع، ۱۹۹۵ م: ۳۴)

مقاله حاضر، به بررسی اشعار معاصر فارسی و عربی‌ای که در آنها از قو و ویژگی‌های مربوط به آن برای خلق تصاویر و مضامین استفاده شده است و تطبیق آنها با الگوی غربی می‌پردازد. ابتدا موضوعات و مضامین مرتبط با قو از شعر شاعران معاصر عربی استخراج گردیده، سپس با تطبیق و مقابله آنها با الگوهای فارسی و غربی به تحلیل و تبیین میزان و نوع تأثیرپذیری پرداخته شده است. با عنایت به این نکته که اشعار مورد تطبیق، ارتباط تاریخی داشته و در دو زبان متفاوت سروده شده‌اند، برای انجام این پژوهش از مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی استفاده گردیده است. (ر.ک: مطالعات ادبیات تطبیقی، ۱۳۸۸ ش: ۵۸)

قو در بسیاری از فرهنگ‌ها جلوه و معانی نمادین خاصی دارد. در شعر معاصر عربی شاعرانی از قبیل ادونیس، محمود درویش و ... با استفاده از الگوهای غربی و نگاه شاعرانه به پرنده قو در خلال دیوانشان این موضوع جدید را مطرح کرده‌اند. از سوالات اساسی پژوهش حاضر این است که آیا تصویر قو از کانال رمانتیسم و از منابع غربی وارد شعر معاصر عربی شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره مکتب ادبی و هنری رمانتیک و تأثیر اصول و مؤلفه‌های آن در شعر معاصر فارسی و عربی کتاب‌ها و مقالات فراوانی به زیور چاپ آراسته شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کتاب «الرومنسیه فی الشعر العربی و الغربی» نوشته ایلیا الحاوی، کتاب «الرومنتیکیه» تألیف محمد غنیمی هلال، کتاب «شعر معاصر عرب» تألیف محمدرضا شفیعی کدکنی که بخشی از آن به تأثیر مکتب رمانتیک در شعر معاصر عربی اختصاص یافته، مقاله «رمانتیک در شعر معاصر عربی» از نجمه رضایی، مقاله «تأثیرپذیری شاعران معاصر عرب از مکتب ادبی رمانتیک» از علی سلیمی و حسین رضا اختر سیمین و غیره.

قو و تصاویری که با استفاده از این پرنده ساخته شده، یکی از موضوعات و مضامینی محسوب می‌شود که از طریق مکتب رمانتیک و ترجمه آثار رمانتیک غربی در پی گسترش و توسعه صنعت چاپ وارد شعر معاصر فارسی و عربی شده است. در قالب مقاله‌ای تحت عنوان «نقد و بررسی تأثیر شعر غربی در شعر "مرگ قو"ی حمیدی شیرازی» با دیدی تطبیقی، سرچشمه و منشا شعر «مرگ قو»ی حمیدی شیرازی بررسی و میزان و نوع تأثیر او از الگوهای ادبی غربی مشخص گردیده است ولی در زمینه تأثیرپذیری شاعران معاصر عربی‌زبان از جلوه‌های نمادین قو، تاکنون پژوهشی انجام نگرفته و میزان و نوع تأثیر شاعران عرب‌زبان از الگوهای غربی و تطبیق اشعار آنان با شعر معاصر فارسی واکاوی نشده است. در شعر معاصر فارسی و عربی پرندگان جلوه خاصی دارند و بسیاری از شاعران در مضامین و تصاویر جدید و نمادین شعر خود از پرندگان بسیار بهره برده‌اند. در کنار کارکرد هنری و تصاویر و مضامین جدید پرندگان در شعر معاصر، شاهد «دگرگونی رمزها»ی پرندگان در اشعار هستیم که این موضوع یکی از جلوه‌های مهم تأثیرپذیری شعر معاصر فارسی و عربی از ادبیات غربی است.

پژوهش در مقاله حاضر با روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است، ابتدا موضوعات و مضامین مرتبط با قو از شعر شاعران معاصر عربی استخراج گردیده، سپس با تطبیق و مقابله آنها با الگوهای فارسی و غربی به تحلیل و تبیین میزان و نوع تأثیرپذیری پرداخته شده است. با عنایت به این نکته که اشعار مورد تطبیق، ارتباط تاریخی داشته و در دو زبان متفاوت سروده شده‌اند، برای انجام این پژوهش از مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی استفاده گردیده است.

### ۳. قو در اشعار غربی

قوها پرندگانی زیبا و افسانه‌ای و از مخلوقات خارق‌العاده خداوند هستند که به سبب تک‌همسری در طول عمر به سمبل عشق و وفاداری در بسیاری از فرهنگ‌ها تبدیل شده‌اند. قو جایگاه مهمی در هنر و ادبیات دارد. این وفاداری و عشق نسبت به جفت، دستمایه تعدادی از آثار هنری از جمله اپراهای پارسیفال و لوهنگرین اثر ریچارد واگنر (1813 – 1883) Wilhelm Richard Wagner، آهنگساز بزرگ آلمانی شده است. در اساطیر یونان باستان، در داستان «لدا و قو»، «ژئوس» در هیئت یک قو بر لدا پدیدار شده و در کنار او می‌خوابد. (پین سنت، ۱۳۸۰ ش: ۷۴) این موضوع سرمشق نقاشان بزرگ فرانسه از جمله فرانسوا بوشه (1703 – 1770) François Boucher، در تابلوی «لدا و قو» Leda and the Swan (۱۷۴۱ م) و تئودور ژریکو (1791 – 1824) Théodore Géricault در تابلویی به همین نام در سال (۱۷۸۰ م) قرار گرفته است و باتلر بیتس William Butler Yeats ایرلندی در شعری با نام «لیدا در چنگال قو» (بیتس: ۱۳۸۴ ش: ۲۴۵ – ۲۴۶) با دیدی شاعرانه به این موضوع پرداخته است.

شاعران بزرگ غربی، تصاویر شاعرانه‌ای از قو را در اشعارشان تجلی داده‌اند. در این میان، دو تن از شاعران برجسته و برنده جایزه نوبل ادبیات در اشعار خود شکوه و جلوه این پرنده را با شکلی نمادین و شاعرانه ستوده‌اند که هر کدام از این اشعار جزء مشهورترین اشعار ادبیات غربی است. یکی از این شاعران بزرگ، سولی پرودوم فرانسوی است. (نشریه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، ۱۳۹۳ ش: ۲۸) او در شعری با نام «قو» با بهره‌گیری از تصاویر شاعرانه، هنر خود را در توصیف این پرنده زیبا به زبان فرانسه نشان داده است:

بی‌صدا، زیر آیینۀ دریاچه‌های عمیق و آرام، قو امواج را با بال و پر گسترده خود می‌راند و لیز می‌خورد. پرنرم زیر بال او همچون برف‌های ماه آوریل است که زیر آتابش آخورشید ذوب می‌شود؛ اما محکم و استوار و به رنگ سفید ناب، در زیر باد غرب (بادی که از سمت غرب می‌وزد) بال بزرگش او را همانند یک قایق سفید پیش می‌برد.

او گردن زیبایش را در بالای نی‌ها بلند می‌کند، آن رافرو می‌برد، آن را در امتداد آب‌ها می‌گرداند، آن را با ملاحظت تمام هم‌چون نیم‌رخ یک آکانت (نوعی گیاه زینتی) خم می‌کند و منقار سیاهش را در گلوی براق خود مخفی می‌نماید. (Sully Prudhomme, 1872: 126 – 127)

در ادبیات انگلیسی نیز تصاویر شاعرانه خاصی از این پرندۀ ارائه شده است. باتلر بییتس، شاعر بزرگ دیگری است که در شعر مشهوری با نام «قوهای وحشی در کول» به توصیف احساسات خود دربارهٔ این پرندۀ باشکوه پرداخته است. درختان در جلوهٔ پاییزی خود هستند مسیره‌های جنگلی خشک‌اند، در گرگ و میش ماه اکتبر (مهرماه) آب آینهٔ آسمانی آرام. پنجاه و نه قو در میان سنگ‌ها بر آب. به آن مخلوقات درخشان نگاه کردم اکنون قلب من زخمی است همه چیز تغییر کرده، از وقتی که من، هنگام گرگ و میش شنیدم اول بار بر این ساحل ضربانگ بال‌هایشان را بر فراز سرم ... (Yeats, 1919: 1 – 3), به نقل از: نشریهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، ۱۳۹۳(ش)

#### ۴. تصویر قو در شعر فارسی

در شعر جدید فارسی پرندگان جلوه‌ای خاص دارند. نیما یوشیج از جمله شاعرانی است که از پرندگان مانند ققنوس، غراب، مرغ آمین و... در مضامین و تصاویر جدید و نمادین شعر خود بسیار بهره برده است. در کنار کارکرد هنری و تصاویر و مضامین جدید پرندگان در شعر معاصر، شاهد «دگرگونی رمزها»ی پرندگان در اشعار نیز هستیم که این موضوع یکی از جلوه‌های مهم تأثیرپذیری شعر جدید فارسی از ادبیات غربی است. دکتر شفیع‌ی کدکنی با اجتهاد علمی خود نمونهٔ ارزشمندی را در این باب (دگرگونی رمزها در شعر فارسی) ارائه نموده است: «هزار سال شعر فارسی با پرندۀ ای به نام پرستو سر و کار داشته است... این پرندۀ رمز سیاهی بوده و در هیچ کجای قلمرو پهناور زبان فارسی رمز بهار و کوچ به سوی بهار و تابستان نبوده است... اما با نشر ترجمه‌هایی از شعر اروپایی می‌بینیم که اندک اندک به مناسبت این که در کشورهای سرد اروپایی به‌خصوص انگلستان مهاجرت این پرندۀ نشانه‌ای است از گرم شدن هوا و رسیدن بهار، در شعر فارسی معاصر هم پرستو رمز بهار می‌شود.» (شفیعی-کدکنی، ۱۳۹۰ ش: ۲۶۰ - ۲۶۱)

قو نیز در سنت ادبیات فارسی جایگاهی ندارد و حتی در فرهنگ لغت‌های کلاسیک از لغت فرس گرفته تا برهان قاطع نامی از این پرندۀ با عنوان قو دیده نمی‌شود. حتی در لغت‌نامهٔ دهخدا که بر اساس شیوهٔ کار این فرهنگ، معمولاً در کنار نام پرندگان نمونه ابیاتی از شاعران بزرگ برای تبیین و تفهیم معانی و کاربرد آنها ذکر می‌شود، در ذیل قو صرفاً دو بیت از تأثیر تبریزی، شاعر عصر صفوی در باب «در پر قو خوابیدن» (کنایه

از در ناز و نعمت پرورش یافتن) و «نپریدن قو در جایی» (کنایه از خلوت بودن و وحشتناک بودن جایی) نقل شده است. (نشریه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، ۱۳۹۳ ش: ۲۷)

این موضوع خود گواهی است بر عدم کاربرد قو در ادبیات کلاسیک فارسی. اما از طریق آشنایی با ادبیات غربی است که مضامین جدیدی از این پرنده وارد ادبیات فارسی می‌شود و **نیما یوشیج** در ۲۰ فروردین ۱۳۰۵ و در فضایی کاملاً رمانتیک شعر «قو» و **حمیدی شیرازی** در ۲۷ فروردین ۱۳۳۳ ش شعر مشهور «مرگ قو» را می‌سرایند.

نیما شعر «قو»ی خود را بر اساس عناصر مکتب رمانتیسم و به تأثیر از شاعران فرانسوی سروده و تصاویر شعر را در این مسیر ارائه نموده است.

صبح چون روی می‌گشاید / روی دریای سرکش و خاموش / می‌کشد موج‌های نیلی / چهره‌ای از طلای ناب به دوش / لیک مرغ جزیره‌های کبود / درهمین دم که او به تنهایی / سینه خالی ز فکر بود و نبود / می‌کند فکرهای دریایی... / برخلاف تصویر همه، او / شادوخرم به دیدن آبست / گر کسی هست یا نه، ناظر قو / قودر آغوش موج‌ها خوابست. (نیما یوشیج، ۱۳۷۳ ش: ۱۱۴ - ۱۱۶)

در چنین فضایی **حمیدی** نیز با الهام از ادبیات غربی، شعر خود یعنی «مرگ قو» را با مطلع زیر سرود:

شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد  
فریبنده زاد و فریبا بمیرد

(حمیدی، ۱۳۶۳ ش: ۹۷)

شعر «مرگ قو» یکی از نمونه‌های اصلی الهام از ادبیات غربی در شعر فارسی است. بررسی تطبیقی این شعر نشان می‌دهد که **حمیدی شیرازی** در سرودن «مرگ قو» به اشعار غربی توجه داشته است. اما او در این الگوپردازی، با استفاده از پشتوانه فرهنگی و ادبی خود مضمون الهام گرفته را با بستری کاملاً ایرانی و بر اساس قواعد شعر فارسی ارائه نموده و شعری مستقل را پدید آورده است.

## ۵. بررسی تطبیقی تصویر قو در شعر عربی و فارسی

موضوعات و مضامینی که با استفاده از پرنده قو ساخته شده، از طریق مکتب رمانتیک و ترجمه آثار رمانتیک غربی در پی گسترش و توسعه صنعت چاپ وارد شعر معاصر فارسی و عربی شده است. در شعر معاصر عربی، ادونیس، محمود درویش، نزار قبانی و شاعران دیگر با نگاهی شاعرانه به نحوه مرگ قو، با استفاده از الگوهای غربی و نگاه شاعرانه به این پرنده در خلال دیوانشان این موضوع جدید را مطرح کرده‌اند.

از ویژگی‌های منحصر به فرد قو که در ادب فارسی و عربی بازتاب یافته، مرگ قو است. این پرندگان افسانه‌ای می‌توانند زمان مرگشان را پیش‌بینی کنند. دلیلی که در نوشته‌های رومیان و یونانیان برای آواز خوانی قوها مطرح شده است، بی‌ارتباط با مرگشان نیست. در نوشته‌های رومیان و یونانیان به آواز قو در هنگام مرگشان توجه شده و اولین کسی که به این موضوع اشاره دارد، افلاطون در رساله روح است. (رک: افلاطون: ۱۳۹۰ ش: ۵۲۰) از گذشته‌های دور از این پرنده و کیفیت مرگ آن، در ادبیات و

هنر جهان به ویژه اروپا در لابه لای آثار ادبی و هنری استفاده شده و مضامین جدیدی در عرصه ذوق و هنر به وجود آمده است.

در ایران در دوره مشروطه پس از برقراری ارتباط با کشورهای اروپایی، حمیدی شیرازی با الهام از ادبیات غربی شعر مشهور «مرگ قو» را می‌سراید. در کشورهای عربی زبان پس از آشنایی با آثار ادبی مغرب زمین از کانال ترجمه، مضمون «مرگ قو» وارد شعر معاصر شد و مضامین جدیدی با استفاده از این مضمون ایجاد گشت. در شعر عربی دوره معاصر، پشتوانه فرهنگی شاعران از طریق ترجمه‌ها گسترش می‌یابد و علاوه بر فرهنگ سنتی شامل آثار و فرهنگ اروپایی نیز می‌شود. در سیر این انتقال فرهنگی، آثار اروپایی از طریق ترجمه تأثیرات بسیاری در حوزه‌های متعدد از جمله مضامین، تصاویر و زبان (واژگان، ترکیبات و ...) در شعر جدید عربی داشتند. در ادب عربی، تصویر قو به اشکال مختلف وارد شده است که به بررسی و تطبیق آن با اشعار فارسی و غربی می‌پردازیم:

### ۱.۵. آواز قو

قوها به دلیل رفتارهای منحصر به فردشان همواره در طول تاریخ مورد توجه انسان‌ها بوده‌اند و از آن‌ها در فرهنگ بشری یاد شده است. یکی از رفتارهای منحصر به فرد قوها، آواز خواندن این پرندگان زیبا قبل از فرار سیدن زمان مرگشان است. گویا این پرندگان توان آن را دارند که زمان مرگشان را پیش‌بینی کنند. قوها در طول عمر خود هیچ صدایی تولید نمی‌کنند و تنها در نزدیکی لحظات مرگ، به گوشه‌ای دنج پناه برده و آوازی زیبا به عنوان اختتامیه عمرشان عاشقانه سر می‌دهند که با تمام آواز، جانشان را از دست می‌دهند. همچنین آن‌ها در لحظات مرگ، به محل اولین جفتگیری خود مراجعت می‌کنند و در آنجا آخرین آواز خود را سر می‌دهند. صدای خاص این پرنده چنان توجه همگان را جلب کرده است که در تقسیم‌بندی برخی از انواع آن نیز از این خصیصه استفاده می‌شود: قوی فریادکش که از پرندگان پر سر و صداست، قوی گنگ که به ندرت از آن صدایی شنیده می‌شود، اینگونه کمتر از انواع دیگر قو صدای تولید می‌کند مخصوصاً زمانی که ناراحت است صدایی مثل جغد دارد. (دیانی، ۱۳۶۷ش: ۲۵ - ۲۷)

هم‌چنان که بیان شد، در نوشته‌های رومیان و یونانیان به آواز قو در هنگام مرگ توجه شده است. اولین کسی که به این موضوع اشاره دارد افلاطون در رساله روح است که از زبان سقراط این موضوع را بیان می‌کند: «مرا در پیشگویی ناتوان تر از قو می‌دانید که چون مرگ را نزدیک می‌بیند از فرط شادمانی زیباترین نغمه خویش را ساز می‌کند؛ زیرا می‌داند به زودی نزد خدایی خواهد رفت که خدمتگزار اوست. مردمان چون خود از مرگ می‌هراسند درباره قو هم دروغ می‌گویند و ادعا می‌کنند که قو به سبب ترسی که از مرگ دارد چنان خوش می‌خواند، و نمی‌دانند که هیچ مرغی به هنگام گرسنگی یا سرما یا ابتلا به دردی دیگر آواز نمی‌خواند. پس بلبل و پرستو و هدهد و قو برخلاف آنچه مردمان می‌پندارند، به سبب اندوهگینی آواز نمی‌خوانند بلکه قوها چون پرستندگان و خادمان آپولون هستند نیروی پیشگویی دارند و چون نیکی‌های جهان دیگر را پیش‌بینی می‌کنند، در واپسین روز عمر شادمان تر از روزهای دیگر می‌گردند و زیباتر از اوقات دیگر می‌خوانند. من نیز از پرستندگان و خادمان همان خدا



هستم و از آن رو نه در پیشگویی دستی کمتر از گو دارم و نه در روز مرگ ترسو تر از آنم.» (افلاطون: ۱۳۹۰ش: ۵۲۰)

در فابل‌های ازوپ حکایات متعددی در مورد رنگ و زیبایی گو (حکایت کلاغ سیاه و گو) (Aesop, 1870: 36) و صدای گو (حکایت زغن و گو) (Aesop, 138) وجود دارد. لافونتن نیز این داستان را از ازوپ برگرفته و در حکایتی با نام «قوی و آشپز» نقل می‌کند که صدای زیبای گو در هنگام مرگ مانع از کشته شدنش به دست آشپز می‌شود. (لافونتن، ۱۳۸۰ش: ۱۷۱ - ۱۷۲)

اعتقاد به صدای گو و رابطه آن با جهان پس از مرگ و آگاهی این پرنده از مسائلی که پس از مرگ در پیش است تا آنجا پیش رفت که باوری شکل گرفت که در آن تصور می‌شد روح همه شاعران بزرگ در بدن قوها تجلی می‌یابد. (Scott, 1972: 151)

این موضوع الگوی اصلی بسیاری از شاعران عربی برای خلق و ایجاد مضامین جدید و نو در شعر معاصر گشته است. در لابه‌لای شعرهای عربی معاصر با اندکی تامل می‌توان اثر این تأثیرپذیری را یافت. «تغریده البجع» اسم کتابی است که عبدالله سرور آن را برای بررسی اشعار عباس عجلان گذاشته است. او در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «گو زیباترین آوازش را قبل از مرگش می‌سراید و زیباترین رقصش را قبل از مرگش به اجرا در می‌آورد؛ مردم به آن گوش فرا داده و شاد می‌شوند و نمی‌دانند که گو در آستانه مرگش است و بسیاری از مبدعان، آثار زیبایی را با الهام از این معنی خلق کرده‌اند... عباس عجلان زیباترین و قوی‌ترین قصائدش را اندکی قبل از مرگش سروده است؛ به این خاطر، این بررسی در شعر او، آواز گو نامیده شده است.» (سرور، ۱۹۹۸م: ۹) آواز گو آواز وداع و حسرت و آواز مرگ است؛ نشانگر حادثه‌ای است که در آینده نزدیک، اتفاق خواهد افتاد. آواز گو با تعابیر و ترکیبات مختلفی از جمله «أغنیة البجع، تغریده البجع، ابتهاج البجع و امثال آن در اشعار شاعران عربی دیده می‌شود:

شاعر در شعر زیر با عنوان «تغریده البجع» با استفاده از این ترکیب، ندای دردناک درونی‌اش را به تصویر می‌کشد:

مواكبُ الحزنِ / زحفُ مشتاقهُ نَزفَ الأُمسِ / لا زالت تترددُ كَنشيدٍ / كأغنيةٍ / فوقَ ركامِ المِحَنِ / تجترُّ بقايا  
الهُمسِ / يتلظى الشوقُ في نواحيها / غرى نَزفَ العيني / أتوقُّدُ بين الآهِ / وبين الآهِ / تاريخُ فوقَ صقيعِ  
الرَّمسِ / الأزالِ / يتوهجُ المأْمُ... لا زالت تترددُ في انعطافاتِ الروحِ / تغريدهُ البجعِ / بنشيجِ قتالِ مؤلمٍ / ينخرُ في  
غمدِ النَّفسِ / يتنفسُ في نورِ الشَّمسِ. (همان، منبع: ۱۵۲)

کاروان‌های غم / مشتاقانه به سوی خونریزی دیروز می‌خزد. / همچنان تکرار می‌کند همچون سروده -  
ای / همچون آوازی / بالای تپه مصیبت‌ها / بقیه زمزمه‌ها را تکرار می‌کند. / شوق در اطرافش شعله‌ور می -  
شود. / چشم‌ها را به خون گریستن تشویق می‌کند. / بین آهات شعله‌ور می‌شود / تاریخی بالای شبنم قبر / هم -  
چنان از درد به خود می‌پیچد / همچنان در پیچ و خم‌های روح تکرار می‌کند / آواز گو را / با صدای کُشنده  
دردناک / که در اعماق جان صدا می‌دهد / و زیر نور خورشید نفس می‌کشد

«أیمن صادق» نیز شعر خود را «أغنیة البجعة» نام نهاده و این‌گونه آغاز می‌کند:

تری..

هل ضحكتَ قبيلَ الرحيلِ؟!  
 وهل كَفَنُوكَ بغيرِ الغناءِ؟!  
 آیا اندکی پیش از رفتن خندیدی؟  
 آیا تو را بدون آواز کفن کردند؟!  
 (محمد صادق، ۲۰۰۱م: ۱۵)

مصراع دوم اشاره به آوازخوانی قبل از مرگ قو دارد.

شعر زیر نیز با عنوان «بتهاال البجع» از «بدیع صقور»، تصویرگر آواز و مرگ قو است:

يفتَحُ نافذَةَ الحضورِ / تفتَحُ العِصافيرُ شبابيكَ أعشاشِها/ على غابَةِ الأَغْنِيَةِ / يركبُونَ قطارَ المطرِ/  
 على مرآةِ الهِواءِ / نُسوِي ياقَةَ العِمرِ/ ونُسرِّحُ أحزانَ البَحِيرَةِ / على تلالِ الغيابِ يحفِرُونَ / قبوراً للبعجِ /  
 غداً / سنطيرُ البجعَ إلى السماءِ / غداً/ تجمَعوا حولي أيُّها الصغارُ/الأصنعَ لكم طائراتٍ من ورقٍ/ وأحصنَةً  
 من قِصبٍ/ الاتضَيِّعوا العِمرَ في خريفِ المقاهي/ /بَعثَرُوا كراسيَّهم فوقَ الأرصفةِ/ دَعُوا البجعَ يسترِيحُ/  
 اترُكُوهُ وأغانيه/ ليستِ المدنِ بحيراتٍ للبعجِ (الصقور، ۲۰۰۵م: ۸۴)

پنجره حضور را باز می‌کند.

گنجشک‌ها پنجره لانه‌یشان را باز می‌کنند.

به جنگل آوازاها

و سوار قطار باران می‌شوند

بر آینه هوا

طوق عمر را مرتب می‌کنیم

غم‌های دریاچه را رها می‌کنیم

بر تپه‌های غیاب حفر می‌کنند

قبرهایی را برای قو

فردا

قو را به آسمان پرواز خواهیم داد

فردا

ای کودکان اطرافم جمع شوید

تا برای شما هواپیماهایی از جنس کاغذ درست کنم

و اسب‌هایی از نی

عمر را در پاییز قهوه‌خانه‌ها هدر ندهید

صندلی‌هایشان را روی پیاده‌روها پراکنده می‌کردند

قو را رها کنید تا استراحت کند

قو را با آوازش رها کنید

شهرها، دریاچه‌هایی برای قوها نیستند.

فدوی طوقان نیز با الهام از این اسطوره، قصیده خود را «غناء البجعة» نامیده است. (ر.ک: فدوی طوقان، ۱۹۹۸: ۳۱۵)

همان طور که گذشت آواز قو در شعر معاصر فارسی نیز برای بیان مضامین رمانتیک و عاشقانه به کار رفته است. حمیدی شیرازی در شعر «مرگ قو» می‌سراید که قو در شب مرگ بر موجی سوار شده به گوشه‌ای دنج می‌رود و به تنهایی غزل خوانی می‌کند:

شب مرگ تنها نشیند به موجی      رود گوشه ای دور و تنها بمیرد  
در آن گوشه چندان غزل خواند آن شب      که خود در میان غزل‌ها بمیرد  
(حمیدی، ۱۳۶۳ش: ۹۷)

### ۲.۵. رقص قو

از ویژگی‌های دیگر قو که در آثار ادبی جهان منعکس شده، رقص قو است. رقص قو در نهایت زیبایی، الهام بخش حزن و ناراحتی است چرا که رقصی است که مرگ قو را به دنبال دارد. زمانی که مرگ قو فرا می‌رسد، به طرف ساحل رفته، رقص زیبای خود را به اجرا درمی‌آورد و آواز غم‌انگیز سر می‌دهد و سپس می‌میرد. رقص قو به رقص مرگ نیز معروف است، رقصی که با آوازش هم‌خوانی دارد و هر دو نشان‌گر مرگ او هستند.

در قصیده «الآن إذ تصحو» از دفتر شعری «لا تعتذر عما فعلت» محمود درویش رقصه‌ی البجع را با صفت الأخيرة به کار برده که باعث تأکید بر دلالت این موضوع شده است:

الآن، إذ تصحو، تَذَكَّرُ رَقْصَةَ الْبَجَعِ  
الأخيرة. هل رَقَصْتَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ الصَّغَارِ  
وأنت تحلُمُ؟ هل أضاءتْ كِ الْفَرَّاشَةُ عندما  
احترقتْ بضوءِ الوردَةِ الأبديةِ؟ هل  
ظهرتْ لك العنقاءُ واضحةً... وهل نادتك  
باسمك؟ هل رأيتَ الفجرَ يطلعُ من  
أصابعِ مَنْ تُحِبُّ؟ وهل لَمَسَتْ الحُلْمَ  
باليَدِ، أم تَرَكَتِ الحُلْمَ يحلُمُ وحدهُ  
حين انتبهتَ إلى غيابك بَعْتَهُ؟

الآن هنگامی که بیدار می‌شوی، آخرین رقص قو را به یاد بیاور

آیا در خواب، با فرشتگان کوچک رقصیدی؟

آیا هنگامی که پروانه با نور ابدی گل، سوخت،

تو را روشن کرد؟

آیا عنقاء به طور واضح برای تو آشکار شد و آیا تو را به سمت صدا زد؟

آیا دیدی که فجر از لای انگشتان کسی که دوستش داری، طلوع کند؟

آیا خواب(رویا) را با دستانت لمس کردی  
یا خواب را رها کردی که خود به تنهایی خواب ببیند؟ و  
آن هنگام که ناگهان نبودنت را متوجه شدی؟

(درویش، ۲۰۰۹ م: ۸۵)

شعر زیر نیز از عبدالقادر رابحی که بخشی از ابیات شعر «عینیة العاشق العربی» است، در چهارمین یادواره سقوط بغداد سروده شده است و رقص قو در این شعر اشاره به سقوط بغداد دارد.

تَمَنَّی..لَسْتُ أُدْرِی أَيْنَا تَمَلُّ  
و نَاوَلِیْنِی كُوُوساً مِنْ مُكَابِدَتِی  
وَ رَاقِصِیْنِی قَلِیلاً رَقِصَةَ البَجَعِ  
فَأَنْتِ كَالطُّفْلِ لَا تَدْرِیْنَ بَعْدَ غَدٍ  
مَاذَا یُصِیْبُكَ مِنْ تَقْوَاىَ أَوْ وَرَعِی

(رابحی، ۲۰۱۰ م: ۱۰۳)

محکم و استوار بایست! نمی دانم کدامین ما مست هستیم

کاسه‌هایی از رنج‌هاییم به من بنوشان

وهم چون رقص قو کمی با من برقص

تو هم چون کودکی هستی که نمی دانی پس فردا

از تقوا یا پرهیزگاری من چه چیزی به تو می‌رسد.

در شعر فارسی رقص قو وارد نشده است و هیچ شاعری از این مضمون برای پرورش شعرش بهره نبرده است. آواز قو و رقص قو منتهی به مرگ او می‌شود و هر جا سخنی از این دو به میان می‌آید، اشاره به مرگ او و اغراض حزن انگیز شاعر دارد. مرگ قو علاوه بر شعر، در روایت عربی نیز منعکس شده است. «موت البجعة» عنوانی است که هیفاء بیطار برای روایت خود برمی‌گزیند. این داستان هم چنان که از اسمش پیداست، دربرگیرنده اسطوره آخرین آواز قو یا مرگ قو و هم‌چنین رقص روسی «آنا پاولوا» می‌باشد. داستان دختری هشت ساله به نام فاتن است که استعداد بالایی در رقص باله دارد او در دوازده سالگی نامزد شرکت در مسابقات جهانی رقص می‌گردد اما پدر و مادرش هر دو به بیانی او را از رقص به خاطر حفظ شرف منع می‌کنند. او به امید ازدواج با همسری می‌ماند که تنها شرطش یعنی اجازه دادن به رقص باله را قبول کند و چنین نیز می‌شود. اما پس از تولد دخترش، همسرش نیز مانع او می‌شود. فاتن به اتاقی رفته آن‌قدر آنجا می‌رقصد که هم‌چون پرنده به پرواز درآمده خودش را از پنجره پرت می‌کند و می‌میرد.(ر.ک: هیفاء بیطار م، ۱۹۹۸)

## ۳.۵. تصویر قو و دریا

قو و تصویر دریا از موضوعات و موتیف‌های مشترکی است که در شعر معاصر عربی و فارسی در کنار هم و برای تکمیل تصویر رمانتیک به کار رفته است. در شعر نزار قبانی تصویر قو در دریای چشم معشوق دیده می‌شود:

انتقی أنت المکان..  
 أی مقهی، داخل کالسيف فی البحر،  
 انتقی أی مکان..  
 إننی مستسلم للبحر فی عینیک،  
 یأتی من نہایات الزمان  
 عندما تمطر فی بیروت..  
 أحتاج إلی بعض الحنان  
 تو مکان را انتخاب کن  
 هر قهوه‌خانه‌ای را، که هم‌چون شمشیر در دریاست.  
 تو هر مکانی را که دوست داری، انتخاب کن  
 من تسلیم قوی دریایی در چشمان توام  
 که از انتهای زمان می‌آید  
 آن هنگام که در بیروت باران می‌بارد.  
 به کمی مهربانی نیاز دارم.

در شعر زیر نیز ادونیس معشوقه خود را مورد خطاب قرار می‌دهد. ادونیس در به کار بردن این تصویر، روش وارونه را اتخاذ کرده و همچون قوبودن را از خود نفی می‌کند و می‌گوید: من دریای تو نیستم، من قویی که انتظارش را می‌کشی نیستم...

لم أقصدکِ  
 لستُ بحرکِ  
 لست البجع الذی تنتظرینه  
 ولیس لی غیر أطرافِ  
 أطراف تتیهُ  
 تتوه فی حُمی لم أکتشف حدودها بعد.  
 محوتک - اکتشفتک  
 بسطت علی الورق أجنحتی واستدعیتک

تو را طلب نکردم  
 من دریای تو نیستم  
 من قویی که انتظارش را می‌کشی، نیستم  
 جز چند اعضا، چیزی ندارم  
 اعضای که سردرگم می‌شود  
 در تبی سردرگم می‌شود که هنوز حد و مرزش را کشف نکرده‌ام.  
 محو تو شدم، تو را کشف کردم.  
 بال‌هایم را روی ورق پهن کرده و تو را خواستم

(آدونیس، ۱۹۹۸ م: ۵۱)

حمیدی شیرازی و نیما یوشیج نیز در شعر خود قو و دریا را در کنار هم و برای پروردن تصویر هنری به کار برده‌اند. حمیدی شیرازی می‌گوید:

من این نکته گیرم که باور نکردم  
 چو روزی ز آغوش دریا برآمد  
 ندیدم که قویی به صحرا بمیرد  
 شبی هم در آغوش دریا بمیرد

(حمیدی، ۱۳۶۳ ش: ۹۷)

همچنین نیما یوشیج در شعر «قو»ی خود چندین بار از واژه دریا در کنار قو برای پروردن تصویر استفاده کرده است:

می دهد پای خود تکان، شاید/که کند خستگی ز تن بیرون/بالهای سفید بگشاید/بپرد در برابر هامون/بپرد  
 تا بدان سوی دریا/در نشیب فضای مثل سحر/برود از جهان خیره ما/بزند در میان ظلمت پر/برود در نشیمن  
 تاریک/با خیالی که آن مصاحب اوست/در خط روشنی چو مو باریک/ببند آن چیزها که در خور قوست. (نیما  
 یوشیج، ۱۳۷۳: ۱۱۴ - ۱۱۶)

### نتیجه گیری

مولفه‌های رمانتیسیم بر شعر معاصر عربی و فارسی تأثیر چشمگیری گذاشته و مضامین جدیدی از طریق این مکتب وارد شعر عربی گشته است. یکی از این مضامین قو و تصاویری است که با استفاده از این پرندۀ ساخته شده است. قو و تصاویر شاعرانه آن در شعر کلاسیک عربی و فارسی به کار نرفته و سابقه کاربرد آن به دوران معاصر برمی‌گردد. در این مقاله اشعار معاصر عربی و فارسی که در آنها از قو و ویژگی‌های مربوط به آن برای خلق تصاویر و مضامین استفاده شده است، بررسی و سپس با الگوهای غربی تطبیق داده شد و نتایج زیر به دست آمد:

در شعر معاصر عربی شاعرانی از قبیل آدونیس، محمود درویش، عبدالقادر راجی، نزار قبانی و ... و در شعر معاصر فارسی نیما یوشیج و حمیدی شیرازی با استفاده از الگوهای غربی و نگاه شاعرانه به پرندۀ قو در خلال دیوانشان تصویر قو را به کار برده‌اند.

یکی از رفتارهای منحصر به فرد قوها آواز خواندن این پرندگان زیبا قبل از فرارسیدن زمان مرگشان است. قوها در طول عمر خود هیچ صدایی تولید نمی‌کنند و تنها در نزدیکی لحظات مرگ، به گوشه‌ای دنج پناه برده و آوازی زیبا به عنوان اختتامیه عمرشان عاشقانه سر می‌دهند که با اتمام آواز، جانشان را از دست می‌دهند. همچنین قوها در لحظات مرگ به محل اولین جفتگیری خود مراجعت می‌کنند و در آنجا آخرین آواز خود را سر می‌دهند. این موضوع الگوی اصلی بسیاری از شاعران فارسی و عربی برای خلق و ایجاد مضامین جدید و نو در شعر معاصر گشته است. در لابه‌لای شعرهای عربی معاصر با اندکی تامل می‌توان اثر این تأثیرپذیری را یافت. آواز قو با تعابیر و ترکیبات مختلفی از جمله «أغنیة البجع»، «تغریده البجع»، «ابتهاال البجع» و امثال آن در اشعار شاعران عربی دیده می‌شود.

از ویژگی‌های دیگر قو که در آثار ادبی جهان منعکس شده، رقص قو است. رقص قو در نهایت زیبایی، الهام بخش حزن و ناراحتی است، چرا که رقصی است که مرگ قو را به دنبال دارد. زمانی که مرگ قو فرا می‌رسد، به طرف ساحل رفته، رقص زیبایی خود را به اجرا درمی‌آورد و آواز غم‌انگیز سر می‌دهد و سپس می‌میرد. در شعر محمود درویش ترکیب «رقصة البجع» به کار رفته و نیز در شعر عبدالقادر راجحی و نزار قبانی این تصویر به صورت ضمنی استفاده شده است. آدونیس نیز در به کار بردن این تصویر، روش وارونه را اتخاذ کرده و هم‌چون قو بودن را از خود نفی می‌کند. شاعر دیگری در شعر خود با عنوان «تغریده البجع» با استفاده از این ترکیب، ندای دردناک درونی‌اش را به تصویر می‌کشد.

بررسی تطبیقی اشعار معاصر عربی و فارسی که در آنها تصویر قو به کار رفته است، نشان می‌دهد که تصویر قو در شعر معاصر عربی، گستردگی و تنوع بیشتری در قیاس با شعر معاصر فارسی دارد.

## منابع

- آدونیس، علی احمد. ۱۹۹۸م. مفرد بصیغه الجمع، بیروت: دارالآداب.
- بیطار، هیفاء. ۱۹۹۸م. موت البجعة، بیروت: اتحاد کتاب العرب.
- پیت سن، جان. ۱۳۸۰ش. اساطیر یونان. ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- حدیدی، جواد. ۱۳۵۶ش. پر خورد اندیشه‌ها، تهران: توس.
- حمیدی، مهدی. ۱۳۵۱ش. فنون و انواع شعر فارسی، تهران: چاپخانه خوشه.
- حمیدی، مهدی. ۱۳۶۳ش. فنون شعر و کالبدهای پولادین، تهران: گلشائی.
- خانلری، زهرا. ۱۳۷۶ش. فرهنگ ادبیات جهان، تهران: خوارزمی.
- خلیلی، محمد. ۱۳۸۷ش. شبی هم در آغوش دریا، تهران: سخن.
- درویش، محمود. ۲۰۰۹م. الاعمال الکامله، بیروت، چاپ اول، ریاض رئیس الکتب والنشر.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۲۵ش. لغت‌نامه. تهران: چاپخانه مجلس و دانشگاه تهران.
- دیانی، امین‌الله. ۱۳۷۶ش. پرندگان خاورمیانه خاور نزدیک. تهران: دانشگاه تهران.
- راجحی، عبدالقادر. ۲۰۱۰م. حالات الاستثناء القصوی، چاپ اول، الجزائر: منشورات لیجوند.

- سرور، عبدالله. ۱۹۹۸م. **تغریده الجمع**، دراسة فی شعر عباس عجلان، ط ۱، جامعة الإسكندرية: دارالجميل.  
 سولی، ژان ژاک؛ لولن، گی. ۱۳۷۷ ش. **آثار کلیدی موسیقی**، ترجمه محمد مجلسی، تهران: دنیای نو.  
 شاملو، احمد. ۱۳۷۶ ش. **همچون کوچه بی انتها**، تهران: نگاه.  
 شفیع کدکنی، محمد رضا. ۱۳۸۰ ش. **ادوار شعر فارسی**، تهران: سخن.  
 شفیع کدکنی، محمد رضا. ۱۳۹۰ ش. **با چراغ و آینه**، تهران: سخن.  
 صقور، بدیع. ۲۰۰۵م. **الاعمال الشعریه**، دمشق، توزیع دارالحارث.  
 کریمی حکاک، احمد. ۱۳۸۴ ش. **طلیعه تجدید در شعر فارسی**، ترجمه مسعود جعفری، تهران: مروارید.  
 گلی آیسک، مجتبی. ۱۳۹۱. **فرهنگ نمادشناسی پرندگان در شعر عرفانی**، مشهد: سخن گستر.  
 فدوی طوقان. ۱۹۸۸ م. **الدیوان**، بیروت: دارالعودة.  
 لافونتین، ژان دو. ۱۳۸۰ ش. **افسانه‌های لافونتین**، ترجمه عبدالله توکل، تهران: نشر مرکز.  
 محمد صادق، ایمن. ۲۰۰۱م. **الموت علی قارعة النشید**، القاهرة: دار نشر الثقافة.  
 ندا، طه. ۱۳۸۳ ش. **ادبیات تطبیقی**، تهران: سخن.  
 نیما یوشیج. ۱۳۷۳ ش. **مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج**، به کوشش سیروس طاهباز، تهران: نگاه.  
 ولک، رنه. ۱۳۷۱ ش. **تاریخ نقد جدید**، ج ۱، ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.  
 یاسمی، رشید. ۱۳۶۲ ش. **دیوان**، تهران: امیرکبیر.

Aesop. 1870. **Aesop's Fables** (Three hundred). New York: Mcloughlin Brothers.  
 Scott, Peter. 1972. **The Swans**. Boston: Houghton Mifflin Company.  
 Sully Prudhomme. 1872. **Poésies de Sully Prudhomme**. Paris.  
 Yeats, W. B. 1919. **The wild swans at Coole**. New York: The Macmillan Company.

#### مقاله‌ها

- اکرمی، میرجلیل، دهقانی، مسعود. ۱۳۹۳ ش. «نقد و بررسی تاثیر شعر غربی در شعر مرگ قوی حمیدی شیرازی»، نشریه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، سال ۶۷، بهار و تابستان ۹۳، صص ۲۳-۴۱.  
 حاجی سید رضی، مهدی. ۱۳۸۰ ش. «مدیریت‌گالیست‌های انگلستان»، مقام موسیقایی، فروردین، ش ۹: ۱۰۰-۱۰۷.  
 شرکت مقدم، صدیقه. ۱۳۸۸. **مکتب‌های ادبیات تطبیقی**، مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره دوم، ش ۱۲، شماره پیاپی ۱۲، ۵۱-۷۱.  
 بیس، ویلیام باتلر. ۱۳۸۴ ش. «**لیدا در چنگال قو**»، ترجمه علی محمد حق‌شناس، بخارا، بهمن و اسفند، ش ۴۷: ۲۴۵-۲۴۶.

#### COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: احمدزاده هوج پرویز، مقایسه و تطبیق تصویر قو در شعر معاصر عربی و فارسی، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۶۴، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۲۱۶-۲۰۱.